

الدَّرْسُ الثَّانِي

ارسالی : قیصری

الْوَجْهُ النَّافِعُ، وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ

جنبه مفید و جنبه زیان بار

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا) الْكَهْفُ: ۳۰

(کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند قطعاً ما پاداش کسی که نیکوکارتر است را

ضایع و تباہ نمی کنیم.) الْكَهْفُ: ۳۰

فی عامِ أَلْفٍ وَ ثَمَانِمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةِ وَ ثَلَاثِينَ وَ لِدَ فِي مَمْلَكَةِ «السُّوَيْدِ» صَبَى سُمِّيَ «أَلْفَرِدِ نوبلِ» كَانَ وَالِدُهُ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «النِّيْتروغليسرينِ» السَّائِلِ السَّرِيعِ انفِجَارِ، وَلَوْ بِالْحَرَارَةِ الْقَلِيلَةِ.

در سال ۱۸۳۳ در کشور سوئد کودکی متولد شد که «آلفرد نوبل» نامیده شد (پسری به نام آلفرد نوبل متولد شد). پدرش برای ساختن ماده «نیترو گلیسرین» مایعی سریع الاشتعال هرچند در حرارت پایین، کارخانه ای برپا کرده بود. (ساخته بود)

اهْتَمَّ أَلْفَرِدٌ مُنْذُ صِغَرِهِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ، وَ عَمِلَ عَلَى تَطْوِيرِهَا مُجَدِّدًا، لِيَمْنَعَ انفِجَارَهَا.

آلفرد از کودکی به این ماده توجه کرد و برای بهینه سازی آن کوشید تا از منفجر شدنش جلوگیری کند.

بَرَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا لِيَجْرَى فِيهِ تَجَارِبُهُ، وَلَكِنْ مَعَ الْأَسْفِ انفَجَرَ الْمُخْتَبِرُ وَ انْهَدَمَ عَلَى رَأْسِ أَخِيهِ الصَّغِيرِ وَ قَتَلَهُ. هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزْمَهُ، فَقَدْ وَاصَلَ عَمَلَهُ دَوَّابًا، حَتَّى اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْتَرِعَ مَادَّةَ «الدِّيناميتِ» الَّتِي لَا تَنْفَجِرُ إِلَّا بِإِرَادَةِ الْإِنْسَانِ.

آزمایشگاه کوچکی ساخت تا در آن تجربیاتش را اجرا کند ولی متاسفانه آزمایشگاه منفجر شد و بر سر برادر کوچکترش ویران گشت و او را کشت. این اتفاق اراده‌ی او را ضعیف نکرد، پس با پشتکار به کارش ادامه داد تا اینکه توانست ماده‌ی دینامیت که فقط با اراده‌ی انسان منفجر می‌شود را اختراع کند.

بَعْدَ أَنْ اخْتَرَعَ الدِّينَامِيْتَةَ، أَقْبَلَ عَلَى شِرَائِهِ رُؤْسَاءَ شَرَكَاتِ الْبِنَاءِ وَالْمَنَاجِمِ وَالْقَوَاتِ الْمُسَلَّحَةِ وَ هُمْ مُشْتَاقُونَ لِاسْتِخْدَامِهِ، فَانْتَشَرَ الدِّينَامِيْتُ فِي جَمِيعِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ.

بعد از اینکه دینامیت را اختراع کرد، رئیسان شرکتهای ساختمانی، معادن و نیروهای مسلح در حالی که مشتاق بکارگیری آن بودند برای خریدش روی آوردند، لذا دینامیت در همه جای جهان انتشار یافت.

قَامَ الْفَرْدُ بِإِنشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَالْمَعَامِلِ فِي عِشْرِينَ دَوْلَةً، وَ كَسَبَ مِنْ ذَلِكَ ثَرَوَةً كَبِيرَةً جَدًّا حَتَّى أَصْبَحَ مِنْ أَعْرَى أَغْنِيَاءِ الْعَالَمِ.

آلفرد اقدام به ساختن دهها کارخانه و کارگاه در ۲۰ کشور کرد. و از آن طریق ثروت بسیار زیادی کسب کرد تا جایی که از ثروتمندترین ثروتمندان جهان شد.

فَقَدِ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذِهِ الْمَادَةِ، وَ سَهَّلَتْ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ

شَقِّ الْقَنَوَاتِ وَ إِنشَاءِ الطَّرِيقِ وَ حَفْرِ الْمَنَاجِمِ وَ تَحْوِيلِ الْجِبَالِ وَ التَّلَالِ إِلَى سُهولٍ صَالِحَةٍ لِلزَّرَاعَةِ

وَ مِنْ الْأَعْمَالِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تَمَّتْ بِوَسِيطَةِ هَذِهِ الْمَادَةِ تَفْجِيرُ الْأَرْضِ فِي قَنَاةِ «بَنَمَا»

بِمِقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيْتِ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طُنًّا.

انسان از این ماده استفاده کرده و کارهای سختش در حفر تونل و شکافتن کانالها و ایجاد راهها و کندن معادن و تبدیل کوهها و تپه هادبه دشت های قابل کشت را آسان کرده است.

از جمله کارهای بزرگ که بوسیله این ماده انجام گرفت منفجر کردن زمین در کانال «پاناما» با مقداری دینامیت به اندازه ی ۴۰ طن می باشد.

وَبَعْدَ أَنْ اخْتَرَعَ نوبِلُ الدِّينَامِيَّةِ، ازْدَادَتِ الحُرُوبُ وَ كَثُرَتِ أَدْوَاتُ القَتْلِ وَ

التَّخْرِيْبِ بِهَذِهِ المَادَّةِ، وَ إِن كَانَ غَرَضُهُ مِنْ اخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةَ الإنسانِ فِي مَجَالِ الأَعْمَارِ وَ البِنَاءِ.

بعد از اینکه نوبل ، دینامیت را اختراع کرد، جنگ ها زیاد شد و ابزار کشتار و ویرانی با این ماده شدت یافت هر چند که هدف وی از اختراعش یاری انسان در زمینه ی آبادانی و ساخت بود.

نَشَرَتْ إِحْدَى الصُّحُفِ الفَرَنْسِيَّةِ عِنْدَ مَوْتِ أَخِيهِ الأَخْرَ عُنْوَانًا خَطًّا

«مات ألفرد نوبل تاجر الموت الذي أصبح غنياً من خلال إيجاد طرقٍ لقتل المزيد من الناس.»

هنگام مرگ برادر دیگرش یک روزنامه فرانسوی تیتری با این عنوان منتشر کرد:

« ألفرد نوبل ، تاجر مرگ کسی که از طریق ایجاد راههای کشتار بیشتر مردم ثروتمند شد، مُرد. »

شَعَرَ نوبِلُ بِالذَّنْبِ وَ بِخَيْبَةِ الأَمَلِ مِنْ هَذَا العُنْوَانِ، وَ بَقِيَ حَزِينًا وَ خَافَ أَنْ يذْكَرَهُ النَّاسُ بِالسُّوءِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

لذَلِكَ فَقَدَ بَرَى مُؤَسَّسَةً لِمَنْحِ الجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ بِاسْمِ «جائزة نوبل»

وَ مَنْحَ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الجَوَائِزِ الذَّهَبِيَّةِ لِكَي يُصَحَّحَ خَطَأُهُ .

نوبل از این تیترا احساس گناه و ناامیدی کرد، و ناراحت ماند (شد) و ترسید بعد از مرگش از او به بدی یاد

شود، به همین خاطر برای اهدای جوایز مشهور مؤسسه ای به نام جایزه نوبل بنا نهاد، و ثروتش را برای

خرید جوایز طلائی اهدا کرد . برای اینکه اشتباهش را تصحیح کند(جبران کند) .

تَمَنْحُ هَذِهِ الجَائِزَةَ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلى مَنْ يُفِيدُ البَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتِ حَدِّهَا، وَ

هِيَ مَجَالَاتُ السَّلَامِ وَ الكِيمِيَاءِ وَ الفِيزِيَاءِ وَ الطَّبِّ وَ الأَدَبِ وَ

این جایزه هر ساله به کسی که به بشریت در زمینه هایی که مشخص کرده ، سود می رساند اهدا می شود.

از آن جمله در زمینه های صلح و شیمی و فیزیک و پزشکی و ادبیات و ...

وَلَكِنْ هَلْ تَعْطَى الْجَوَائِزَ الْيَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لَذَلِكَ؟!

ولی آیا امروزه جایزه ها به کسی که شایسته آن است داده می شود؟

لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَّةِ وَجِهَانِ:

وَجَهٌ نَافِعٌ، وَوَجَهٌ مُضِرٌّ.

هر اختراع علمی و ابتکاری در فناوری و تکنیک دو جنبه دارد:

جنبه سودمند و جنبه زیان بار

وَعَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنَ الْوَجْهِ النَّافِعِ.

و انسان عاقل باید از جنبه مفید و سودمند، استفاده کند.